

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۶/۰۱

مهسا شعله<sup>۱</sup>، سهند لطفی<sup>۲</sup>، فریبا کیان<sup>۳</sup>

## کاربست روش سنجش «شاخص کیفیت طراحی مکان» در ارزیابی تطبیقی فضاهای تاریخی - فرهنگی بررسی موردی: دو فضای تاریخی بافت قدیم شیراز<sup>۴</sup>

### چکیده

ارزیابی کیفیت طراحی شهری در بافت‌های تاریخی و سنجش میزان موفقیت طرح‌هایی که برای این پهنه‌ها تهیه می‌شود، در آفرینش و تأکید بر حس مکان، هدف واجد اهمیتی برای جریان مرمت و مدیریت میراث شهری به شمار می‌رود. از میان ابزارهایی که برای سنجش کیفیت طراحی به کار برده می‌شود، DQI یا روش سنجش «شاخص کیفیت طراحی» تمرکز خود را بر ارزیابی کیفیت طراحی بنا قرار می‌دهد و با تأکید بر سه مؤلفه «کیفیت ساخت»، «عملکرد» و «اثر» کیفیت طراحی را از منظر طراحان و کاربران مورد سنجش قرار می‌دهد. بازخوانی شیوه تدوین این روش و مؤلفه‌های مورد استفاده در آن، نشان از ارزیابی ارزشمندی‌های طراحی در قالب انگاره مکان دارد. به همین ترتیب، مقاله حاضر تلاش می‌کند تا ضمن بسط روش‌شناسی «شاخص کیفیت طراحی» به تدوین روشی پردازد که در آن کیفیت طراحی مکان‌های تاریخی مورد سنجش قرار بگیرد. به این ترتیب، خیزشی از بنا به مکان و سپس مکان تاریخی در مدل پایه این روش وارد می‌گردد. در بسط روش‌شناسی، ضمن توجه به پیشینه نظری انگاره مکان، از تناظر مؤلفه‌های «اصالت و ارزش نسبی»، «یکپارچگی کالبدی» و «سرزندگی اقتصادی» با سه‌گانه مکان، مدلی با عنوان PDQI یا روش سنجش «شاخص کیفیت طراحی مکان» پیشنهاد گردیده است. در تشریح روش پیشنهادی، کیفیت طراحی شهری در دو مکان تاریخی یعنی فضای مقابل مسجد مشیر و فضای مقابل آرامگاه سیبویه در بافت تاریخی شیراز مورد سنجش قرار گرفته و روش پیشنهادی به صورت ابزاری تعمیم‌پذیر به منظور کیفیت طراحی در مکان‌های تاریخی تدوین و ارائه گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** شاخص کیفیت طراحی مکان، مکان تاریخی - فرهنگی، تشخیص مکانی، ارزیابی کیفیت مکان تاریخی.

<sup>۱</sup> استادیار طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، استان فارس، شهر شیراز (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: msholeh@shirazu.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، استان فارس، شهر شیراز

E-mail: slotfi@shirazu.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، استان فارس، شهر شیراز

E-mail: kfariba29@yahoo.com

<sup>۴</sup> مقاله حاضر برگرفته از بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری فریبا کیان با عنوان «کاربست فرایند طراحی شهری یکپارچه در بازآفرینی فضاهای تاریخی شهر» با راهنمایی دکتر مهسا شعله و مشاوره دکتر سهند لطفی در دانشگاه شیراز است.

## مقدمه

طراحی شهری در محیط‌های تاریخی، همچنان و با وجود فراهم آمدن پشتوانه نظری و تجربی بسیار ارزشمندی که طی دهه‌های متوالی و از خلال رویارویی و سپس همگرایی نسبی رویکردهای مرتبط با حفاظت میراث شهری و زمینه‌های کالبدی واجد قدمت و طراحی و توسعه آن فراهم گردیده است، نیازمند ابزارهایی برای برآورد بارزهمندی و یافتن راه‌حلهایی برای تداوم حیات کالبدی و معنایی این عرصه‌ها است. در مرور این پیشینه و یادآوری گام‌های رو به تحول جریان مرمت شهری، می‌توان توجه دوباره به محیط‌های تاریخی را به گواه پاره‌ای رخدادهای تاثیرگذار و تصمیم‌های سرنوشت‌ساز، طلیعه عصر تجدید نسل شهرها قلمداد کرد و آن را آغازی بر دوره تبلور و تکامل بازآفرینی شهری دانست. در همین دوره است که بافت‌های تاریخی و محیط ارزشمند فرهنگی، به مثابه پشتوانه‌ای برای آفرینش مکان‌های بارزهمند مورد توجه قرار می‌گیرند. حفاظت که به‌زعم لینچ، محصول پانهادن به دنیای مدرن است،<sup>۱</sup> از فرآیندی که طی آن، رأی بر ادامه حیات و یا انهدام یک اثر تاریخی و یا مجموعه‌ای فضاها و بناها صادر می‌گردید و به شکل معمول، برنامه یا هدف ملموسی برای چگونگی این تداوم در بردار زمان و با توجه به محتواهای کارکردی وجود نداشت، با نوعی نگاه به آینده و توجه به نقش آفرینی تاریخ و آثار گره خورده به فرهنگ گذشتگان در بنیان نهادن آینده شهرها، تلفیق گردید (Lynch, 1972). بافت تاریخی-فرهنگی شیراز، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین ساختارهای شهری در ایران، دارای ترکیب منحصر به فردی از ویژگی‌های تاریخی و یادمانی است. از این میان گذر تاریخی سنگ سیاه به دلیل ریخت‌شناسی کالبدی و محتوایی متمایز ساختار تاریخی و عناصر و فضاهای بارز، یکی از مهم‌ترین محورهای گردشگری بافت تاریخی است. تا به امروز طرح‌های متعدد مرمت، نوسازی و بهسازی توسط سازمان عمران و بهسازی در این گذر به انجام رسیده که نتیجه آن، بهسازی کالبدی عرصه‌های عمومی و پاکسازی جداره‌های گذر بوده است و روند فرسایشی بافت و تخریب ارزش‌های کالبدی و معنایی مکان‌های تاریخی-فرهنگی درون آن همچنان به‌شدت ادامه دارد. از این رو شناخت و سنجش معیارهای ارزشی این مکان‌ها می‌تواند زمینه را به‌منظور همگرایی هرچه بیشتر رویکردهای حفاظت و بازآفرینی شهری فراهم آورد.

به این ترتیب و چنانچه با عمق بیشتری به ادبیات مربوط به جریان تکامل بازآفرینی شهری و قدم نهادن به فضایی که در آن ذهنیت نوزایی - و یا به تعبیری باززایی - شهری شاکله‌ای مشخص می‌یابد، نگرینسته شود، درست در آستانه ورود به قرن بیست و یکم که در بیان جریان رنسانس شهری به استعاره‌ای می‌ماند، بسیاری از «قدرت مکان» و آینده محیط‌های تاریخی سخن می‌رانند (English Heritage, 2000) و بازخوانی مفهومی سرنمونی<sup>۲</sup> را دستاویز ایجاد دوباره چارچوبی متقن برای ورود به مرتبه‌ای تازه از طراحی شهری در زمینه یا بسترهای تاریخی قرار می‌دهند.<sup>۳</sup>

## مکان‌های تاریخی-فرهنگی؛ تشخیص مکانی و بارزهمندی‌ها

مکان که کلیدواژه‌ای بلامنازع در سیر تکوین مفاهیم معاصر طراحی شهری بوده و از آن به‌عنوان عاملی «هویت‌بخش» (Relph, 1976) یاد شده است، وامدار نگاهی به ژرفنای تاریخی است که بر سر انسان و اندرکنش او با محیط پیرامون و پس‌زمینه‌ای که به تدریج موصوف به صفت «انسان‌ساخت» گردید، گذشته است. بازیابی مفهوم مکان و تجانسی که با باورهای ریشه‌دار انسان‌ها دارد، به رهیافتی بسیار مؤثر برای پیشبرد اهداف طراحی و مرمت شهری در عصر حاضر بدل شده است. به این ترتیب، یکی از پایه‌های نگرینک بسته‌ای مانند «چکیده طراحی شهری»<sup>۴</sup>، استفاده از مفهوم مکان به مثابه واقعیتی در آن واحد،

جهان‌شمول و مورد‌بنا است. «برآورد نقش‌ها و روابط میان محدوده یا بستر [مورد نظر طراحی شهری]، با پس‌زمینه راهبردی آن، به همراه توجه به بارزهمندی‌های مکان و چگونگی کاربری آن [در فرآیند طراحی]، می‌تواند بنیان طراحی منحصر به فردی را شکل دهد» (HCA, 2000: 22). در جریان تدوین اسناد بازآفرینی شهری نیز، از «مکان‌های تاریخی» به‌عنوان موجودیت تضمین‌کننده امکان حیات مستدام محیط‌های تاریخی نام برده شده و محیط تاریخی، محصول حضور نسل‌های متمادی از مردمانی تلقی شده است که با شکل دادن به مکان‌هایی برای زیست خود، واقعیتی فراگیر را رقم زده‌اند که امروزه آن را بافت ارزشمند تاریخی نیز می‌نامند و سرمایه‌ای است متعلق به همگان (Drury & McPherson, 2008, 19).

در این میان، اصالت و ارزشمندی این میراث، مترادف عزمی بازدارنده و یا مقاومتی منفی برای تبلور تغییر در محیط تاریخی قرار داده نشده است. به‌عکس و دقیقاً به همان ترتیبی که هدف این پژوهش نیز ایجاب می‌نماید، امکان طراحی باکیفیت، برنامه‌ریزی اندیشمندانه، پی‌ریزی کاربری و فعالیت‌های سازگار، زیای و خلاق و نضج گرفتن و بازآفرینی محیط کالبدی که در آن، «بهترین‌های گذشته به بهترین نحو نگاهی می‌شوند، تا بهترین شرایط را برای بهره‌مندی از بهترین‌های معاصر فراهم نمایند»، گزینه‌ای است که هم‌نشینی رویکرد حفاظت و توسعه را مقدور و مطلوب می‌نماید (English Heritage, 2000). 4-5. به همین ترتیب و در اسناد گوناگون، توجه به «تشخص مکانی»<sup>۵</sup> به مثابه استفاده از فرصتی برای بازآفرینی مکان‌های باکیفیت مورد تأکید قرار گرفته است (English Heritage, 2010) و فرآیندهای کارآمدی برای احصاء و برآورد قابلیت محیط‌های تاریخی و فهم ویژگی‌های مثبت و قابل‌گرفته‌برداری مکان‌های فرهنگی-تاریخی، ابداع گردیده است. حفاظت از محیط‌های تاریخی، معانی بسط یافته‌ای مانند «ارزش‌دهی به مکان [های تاریخی-فرهنگی]» یافته (Cannon, 2011) و محیط تاریخی، به مانند انسان، واجد نیاز به تحوّل و تغییر مثبت شناخته شده است.

در این حالت، مکان بسان مفهومی با قابلیت بسط معنایی مورد نظر قرار گرفته است و همان‌گونه که در مدل‌های ارائه شده توسط کسانی مانند کانتر، مونتگومری و فرد کنت (Canter, 1977; Montgomery, 1998; Kent, 2008) نیز مطرح شده، به واقعیتی ورای آرایش کالبدی و فرم دلالت می‌نماید تا همه جنبه‌هایی که می‌توانند موجد «حس مکان»<sup>۶</sup> باشند را شامل گردد.<sup>۷</sup> مکان، در همین حال، شامل طیفی از مقیاس‌های متنوع می‌شود و به خدمت بازتعریف مفهومی واحد در قالب مدلول‌هایی درمی‌آید که می‌تواند از یک نشانه کوچک تا بنایی قدیمی، بافتی تاریخی، شهر و یا منطقه‌ای شهری را در بر بگیرد. این تنوع در مقیاس، عاملی موجه‌کننده است برای استفاده از مفهوم فراگیر مکان (Drury and McPherson, 2008, 13-15). چنین انگاره‌ای، مفهوم بنیادین مکان را در یک موضع جغرافیایی به صورت همپوشانی مصادیق مکانی متنوعی که هر کدام بر اساس بارزهمندی‌های بنیانی متمایز، قابلیت بازنمود مکانی یافته‌اند، به نمایش می‌گذارد.

با این رویکرد و با مرور چنین تأویلی، می‌توان نسبت به اهمیت کیفیت طراحی در محیط‌های تاریخی<sup>۸</sup> و مکان‌های بارزهمند اطمینان یافت. فراهم آوردن ابزارهایی که می‌توانند بخشی از یک نگاه فراگیر به لزوم برآورد کیفیت‌های طراحانه در محیط‌های تاریخی باشند، اصلی‌ترین هدفی است که در جریان پژوهش منتهی به مقاله حاضر نیز مورد نظر نگارندگان این سطور بوده است. اینکه بتوان با استفاده از مجموعه‌ای شامل معیارهای کیفی طراحی شهری در محیط تاریخی، به ارزیابی کیفیت مکان‌های تاریخی پرداخت و همان‌گونه که در ادبیات پرداخته طی دو دهه اخیر نیز واضح است، فهم بالقوگی‌های مکانی، بارزهمندی مکانی و ارزش‌دهی دوباره به محیط‌های تاریخی را سازوکاری برای سنجش و ارزیابی تطبیقی فضاهای فرهنگی-تاریخی قرار داد.

## ارزیابی تطبیقی کیفیت مکان‌های تاریخی - فرهنگی بر مبنای روش سنجش «شاخص کیفیت طراحی مکان»

ارزیابی کیفیت مکان‌های تاریخی چنانچه به شیوه‌های جامع و صحیح صورت گیرد، منجر به آفرینش مکان‌های سرزنده و پایدار در میان بافت درهم تنیده تاریخی می‌گردد؛ چراکه با بازشناسی جامع مؤلفه‌های سرزندگی اقتصادی، معنایی و کالبدی مکان تاریخی و ارتباطات متقابل آنها، زمینه لازم هدایت فضاهای تاریخی شهر در چارچوب الگوی توسعه درونزای پایدار فراهم می‌آید. این بخش، ابتدا روش‌شناسی اصلی ارزیابی را به‌عنوان روش سنجش «شاخص کیفیت طراحی»<sup>۹</sup> بر مبنای کاربری تغییرات یک بنا با توجه به بازخوردهای ارزیابی تشریح می‌کند و کاربرد آن را در تحلیل و بررسی بنای ساخته‌شده در سه مرحله طراحی، ساخت و اجرا مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. سپس به این مسئله می‌پردازد که چگونه می‌توان مؤلفه‌های اساسی مکان تاریخی را در قالب معرفی روش «شاخص کیفیت طراحی مکان»<sup>۱۰</sup>، بر اساس روش «شاخص کیفیت طراحی» وارد فرایند ارزیابی نمود. به نظر می‌رسد روش معرفی شده در پژوهش حاضر می‌تواند به‌عنوان ابزاری جهت سنجش طرح‌های مکان‌های تاریخی - فرهنگی به کار گرفته شود.

تاکنون روش‌های تحلیلی متنوعی در سنجش و ارزیابی «وضعیت مکان» پیشنهاد شده است. از این میان می‌توان به روش Place Check و Place Audit اشاره کرد<sup>۱۱</sup> که به‌نوعی بر مبنای «مشارکت و مداخله» مستقیم «مردم» در روند شکل بخشیدن به محیط شهری پایهریزی شده‌اند. مشابهت ابزار تحلیلی «شاخص کیفیت طراحی مکان» در این وجه با دو روش پیش، «مشارکت دادن اراده و خواست استفاده‌کنندگان» از فضای شهری است؛ اما وجه تمایز آن، اعمال نظر کاربران (مردم)، متخصصان (مدیران، طراحان و برنامه‌ریزان شهری، معماران و ...)، پیمانکاران و تمامی گروه‌هایی که به طریقی در فرایند تصمیم‌گیری، طراحی و ساخت و پس از اشغال یک فضای شهری دخیل هستند، با استفاده از تدوین پرسش‌نامه‌های منعطف و مناسب برای هرکدام از گروه‌های مذکور است. بالطبع، نتیجه مشارکت این طیف وسیع از گروه‌های پاسخ‌دهنده، ارزیابی همه‌جانبه‌ای از «مقیاس معماری» (بنا) تا «مقیاس شهری» (فضای شهری) به‌عنوان ابزاری کامل‌تر خواهد بود. وجه تمایز و برتری دیگر این روش، تبدیل معیارهای کیفی مکان به نتایج کمی است، برخلاف دو روش مذکور که تنها از نوعی چک‌لیست در سنجش مکان بهره می‌برند. بدین صورت که در بخش خروجی، به منظور تدقیق نتیجه‌گیری از وزن‌دهی و نمودارهای مقایسه‌ای استفاده می‌شود و آنچه حاصل می‌آید به صورت گرافیکی در نمودار عنکبوتی نمایش داده می‌شود که به‌وضوح بیانکننده میزان ضعف و بالقوگی هر طرح پیشنهادی در مقایسه با وضع موجود خود است.

### روش سنجش «شاخص کیفیت طراحی» (DQI)

«شاخص کیفیت طراحی» نوعی روش سنجشی برای ارزیابی کیفیت طراحی بناها است. این روش به‌طور خاص بر سنجش و ارزیابی ارزش بنا، با هدف کامل کردن مجموعه‌ای از عملکردهای فعلی آن که «بازاندیشی ساخت» نامیده می‌شود، متمرکز است و با کاربری آن، شاخص‌های اساسی عملکرد در فرایند ساخت تا تحویل بنا، ارتقا پیدا می‌کنند. این روش با بهره‌گیری از یک پرسش‌نامه کوتاه، در سه مرحله «پیش از ساخت»، «طراحی» و «ساخت»، کیفیت طراحی بنای موجود یا پیشنهادی را با ارائه نظر کاربران بنا در مورد شاخص‌های کلیدی «کیفیت ساخت»<sup>۱۲</sup>، «عملکرد»<sup>۱۳</sup> و «اثر»<sup>۱۴</sup> به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی روش

ارزیابی می‌کند. «کیفیت ساخت» به عملکرد مهندسی بنا، شامل ثبات ساختاری، یکپارچگی و نیرومندی سیستم‌ها و تعمیرات مربوط می‌شود. «عملکرد» به چیدمان، کیفیت و ارتباطات فضا و رویکرد طراحی بهینه بنا؛ و «اثر» به توانایی بنا در آفرینش حس مکان و القای اثر مثبت بر جامعه محلی و محیط اطراف اشاره دارد. همچنین شامل اثرات گسترده طراحی معماری و هنری بنا بر تصور ذهنی مردم نیز می‌شود (Whyte & Gann, 2003). برای ارزیابی این شاخص‌ها، پرسش‌نامه‌ای تنظیم می‌شود که تمامی محورهای آن حول سه مؤلفه شکل ۱ و زیرمؤلفه‌های جدول ۱ مطرح می‌شوند.



شکل ۱. مؤلفه‌های اصلی DQI

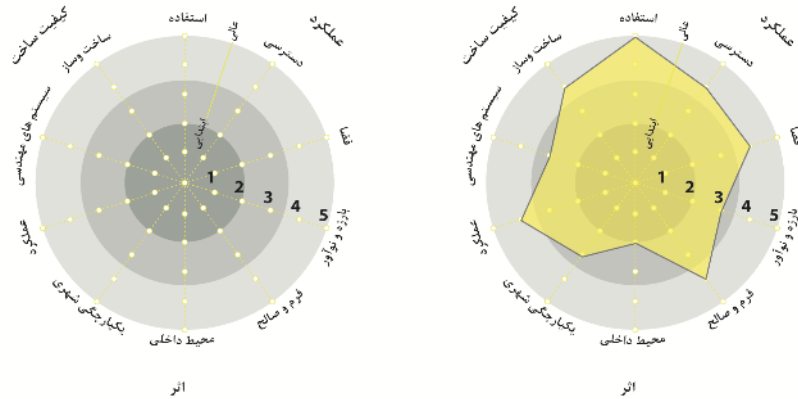
منبع: [www.dqi.org.uk](http://www.dqi.org.uk)

جدول ۱. زیرمعیارهای DQI

عملکرد	کیفیت ساخت	اثر
استفاده	عملکرد	فرم و مصالح
دسترسی	سیستم‌های مهندسی	محیط داخلی
فضا	ساخت و ساز	یکپارچگی شهری و اجتماعی
		باززه و نوآوری

منبع: [www.dqi.org.uk](http://www.dqi.org.uk)

در وزندهی به مؤلفه‌ها از الگوریتم ساده‌ای استفاده می‌گردد؛ بدین صورت که هر پرسش‌نامه دارای ساختار سه‌گانه‌ای است که از نظر محتوایی تمامی مؤلفه‌های موجود در جدول ۱ را به صورت جداگانه شامل می‌شود. به عنوان مثال، معیار «عملکرد» شامل سه زیرمعیار «دسترسی»، «فضا» و «کاربرد» است. امتیازهایی که برای هر معیار در نظر گرفته می‌شود، به صورت میانگین خواهد بود و به منظور تدقیق نتیجه‌گیری، از وزندهی و نمودارهای مقایسه‌ای استفاده خواهد شد. آنچه حاصل می‌شود به صورت گرافیکی در نمودار عنکبوتی به نمایش درمی‌آید. این نمودار بیان‌کننده میزان ضعف و بالقوگی هر طرح پیشنهادی در مقایسه با وضع موجودش است و می‌تواند برای هر گروه از پاسخ‌دهندگان به شکلی مقایسه‌ای ترسیم گردد.



شکل ۲. تجسم نمودار عنکبوتی از بر اساس نتیجه نمونه یک پژوهش

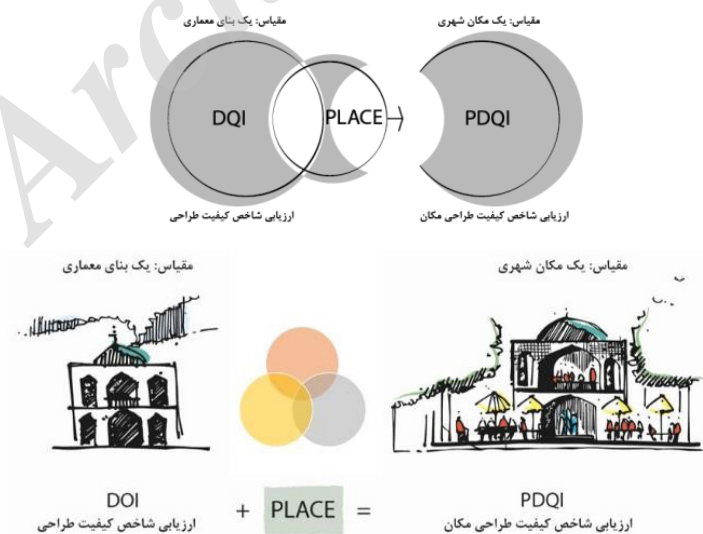
منبع: [www.dqi.org.uk](http://www.dqi.org.uk)

روش «شاخص کیفیت طراحی» در ابتدا توسط شورای صنعت ساخت و ساز انگلستان<sup>۱۵</sup> و حمایت کمیسیون معماری و محیط انسان ساخت انگلستان<sup>۱۶</sup> مورد آزمایش و استفاده قرار گرفت و در امر ارزیابی یک بنا از دید طراحان و کاربران به نتایج خوبی دست یافت؛ به نحوی که طراحان و برنامه‌ریزان را در مدیریت و طراحی و بازطراحی فضا درگیر ساخت. این روش تکمله‌ای بر روش‌های سنجش همه‌جانبه از طریق ایجاد بازخورد<sup>۱۷</sup> به مرحله طراحی و در نظر گرفتن ادراکات و مشاهدات افراد از کیفیت طراحی و ساخت بناست.

### بسط روش سنجش «شاخص کیفیت طراحی» (DQI):

### معرفی روش «شاخص کیفیت طراحی مکان» (PDQI)

روش سنجش «شاخص کیفیت طراحی مکان» که در این پژوهش معرفی می‌شود، ملهم از روش سنجش «شاخص کیفیت طراحی» است و می‌توان آن را با افزودن مؤلفه‌های مکان و بالأخص مکان تاریخی و گذر از مفهوم «فضا» به «مکان» و «فضای شهری»، به‌عنوان روش ارزیابی مناسبی مورد استفاده قرار داد.



شکل ۲. تجسم نمودار عنکبوتی از بر اساس نتیجه نمونه یک پژوهش

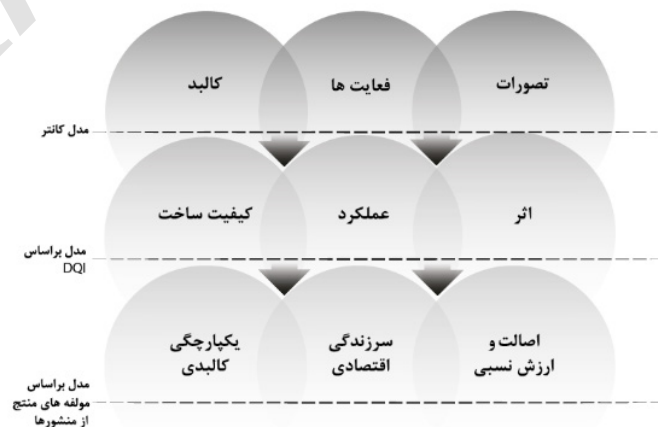
منبع: [www.dqi.org.uk](http://www.dqi.org.uk)



برای تعمیم روش «شاخص کیفیت طراحی» از یک «بنا» در مقیاس «معماری» به مقیاس «فضای شهری» و به دنبال آن «مکان شهری» در زمینه تاریخی به عنوان «مکان تاریخی»، از هم وزن سازی مؤلفه‌های مذکور در مدل «مکان کانتر» (Canter, 1977) و مدل منتج از منشورهای «ایکوموس» و پیاده سازی آن‌ها در روش بسط یافته «شاخص کیفیت طراحی مکان» استفاده می‌شود. حال می‌توان مؤلفه‌های کیفی مکان تاریخی که از منشورها و بیانیه‌های جریان «حفاظت و بازآفرینی» بافت تاریخی تحت عنوان معیار «برجستگی» مکان تحت تأثیر زیرمعیارهای «اصالت»، «یکپارچگی» و «ارزش نسبی»، در وجه حفاظتی آن و از طرفی دیگر، معیار «سرزندگی اقتصادی» تحت تأثیر زیرمعیارهای «بازآفرینی فیزیکی»، «کارکردی» و «فرهنگی - اجتماعی»، در وجه بازآفرینی چارچوب «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» در پژوهشی حاصل آمد را در مدل جدیدی بر پایه مدل مکان کانتر و این مؤلفه‌ها تدوین نمود.

با مروری بر پیشینه این پژوهش در زمینه کیفیت مکان‌های تاریخی، از طریق بازخوانی اسناد ملی و بین‌المللی در حوزه رویکردها، سیاست‌ها و بازآفرینی بافت‌های تاریخی - فرهنگی و خلاصه سازی آن براساس اهداف، می‌توان به سه مؤلفه اصلی «اصالت و ارزش نسبی»، «یکپارچگی کالبدی» و «سرزندگی اقتصادی»<sup>۱۸</sup> دست یافت که در چهارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند (حناجی و فدائی نژاد، ۱۳۹۰). آنچه در ابزار سنجش «شاخص کیفیت طراحی مکان» مدنظر قرار دارد، آن است که کیفیت مکان تاریخی

از این سه مؤلفه شکل می‌گیرد و می‌باید از طریق برهم نهاد این لایه‌ها، «مکان خوب شهری» تحقق یابد. «اصالت و ارزش نسبی» (بُعد ادراکی - معنایی) در بستر تاریخی را بر مبنای تعریفی که در منشور بورا آورده شده است، می‌توان به تأکید بر تمامی جنبه‌های ارزشمندی فرهنگی و طبیعی مکان تاریخی اطلاق کرد. بنابراین رابطه‌ای پویا و تعاملی میان حفاظت از مکان تاریخی به عنوان یک محصول و در مقابل، حفاظت صرف از این ارزش‌ها و نحوه واکنش عموم به نمایش و معرفی مکان تاریخی - فرهنگی وجود دارد. «سرزندگی اقتصادی» (بُعد عملکردی) در زمینه تاریخی بر «معاصر سازی» همزمان کالبدی و محتوایی تأکید دارد و زمانی این امر به درستی واقع می‌شود که طرح مرمت و حفاظت شهری در مکان تاریخی بتواند در ترکیبی از ساختارهای قدیم و جدید، روح زندگی اقتصادی جدیدی بدمد و فضای متنوعی را برای جذب مردم بر پایه ساختار تاریخی‌اش بیافریند. «یکپارچگی کالبدی» (بُعد کالبدی) در زمینه تاریخی، زیرمؤلفه‌ای کیفی است که به مفهوم کلی «قلمروی همگانی» توجه دارد که در واقع با کنار گذاشتن نسبی مؤلفه‌های معماری، بر استفاده جمعی و کیفیت فضای همگانی، پاکیزگی، ایمنی، تأمین الگوهای حرکت (بر مبنای شبکه فضاهای باز) با توجه به بستر محلی یک مکان تاریخی تأکید می‌کند (English Heritage, 2010).



شکل ۴. مدل مؤلفه‌های سازنده روش PDQI

منبع: Canter, 1977; English Heritage, 2010; www.dqi.org.uk

به‌طورکلی روش سنجش «شاخص کیفیت طراحی مکان» مانند «شاخص کیفیت طراحی» در سه مرحله «پیش از ساخت»، «طراحی» و «ساخت» قابل‌استفاده است و حتی می‌تواند «بعد از اشغال فضا» توسط کاربران نیز به‌کار برده شود. از آنجا که ارزیابی کیفیت مکان‌های تاریخی و فهم بالقوگی‌های مکانی، بارزمندی مکانی و ارزش‌دهی دوباره به محیط‌های تاریخی، هدف اصلی این پژوهش است، ارزیابی تطبیقی فضاهای فرهنگی-تاریخی در این سه مرحله متفاوت خواهد بود. براساس هر تغییر آگاهانه‌ای که در زمینه مرمت و حفاظت بافت تاریخی انجام می‌پذیرد، این مراحل تعریف خواهند شد. برای مثال اگر اقدام «بهسازی» برای مکان باارزشی در بافت انجام پذیرد و در طی آن، کالبد که در نتیجه فرسایش فعالیت فرتوت گشته است، بهبود یابد، روش ارزیابی موردنظر فقط شامل مرحله «بعد از اشغال فضا» خواهد بود؛ به این دلیل که تنها تجدید حیات کالبدی با کمترین مداخله در مکان تاریخی اعمال شده است. در نتیجه این روش نتایج خوبی را در خصوص میزان رضایت استفاده‌کنندگان و حتی پیمانکاران پس از مداخله و اقدام مرمت در بافت به‌دست خواهد داد.

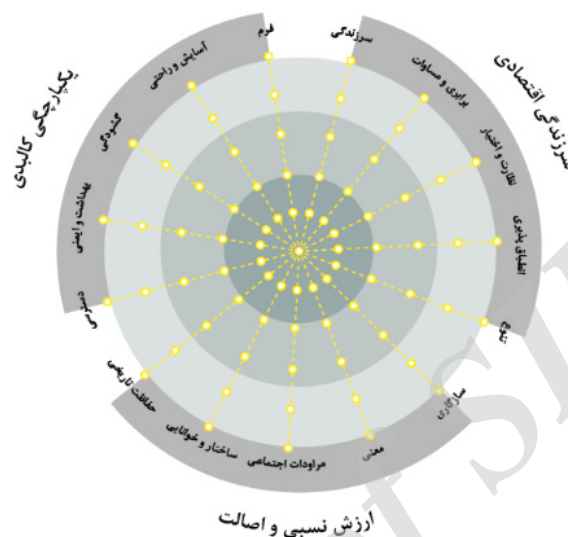
مرحله جمع‌آوری داده و وزن‌دهی در این روش، همانند روش پیش است و تنها تفاوت در محتوای آن‌هاست. در روش سنجش «شاخص کیفیت طراحی مکان» پرسش‌نامه‌ای که تدوین می‌شود مربوط به کیفیت‌های «مکان تاریخی» خواهد بود. آنچه که از برداشت‌های محیطی، مشورت‌های جمعی، ارزیابی و کنترل طراحی هر طرح به‌دست می‌آید، نقش اصلی را در شکل‌گیری و بسط سیاست‌های طراحی و بازطراحی خواهد داشت؛ سیاست‌هایی که باید هم پاسخگوی بارزه محلی و هم بازتاب توقعات مردم از موضوع طراحی باشند. درواقع با استناد به سنجش کیفیت طراحی مکان است که می‌توان از انطباق سیاست‌ها با زمینه‌ها و بسترهای محیطی مختلف اطمینان حاصل کرد. تجربه حاصل از اجرای سیاست‌ها و نتایج حاصل از پایش اثرات آنها (پایش تغییرات کالبدی منبث از این سیاست‌ها)، همگی زمینه‌ساز سنجش‌های محیطی مجددی است که ممکن است در آینده توسط متخصصان و نیز کاربران مکان انجام گیرد. مهم‌ترین نکته قابل ذکر آن است که «طراحی»، فرایندی تکرارشونده و چرخه‌ای است که در آن «ارزیابی وضعیت» و «مشورت جمعی»، نقطه آغاز شکل‌گیری یا بازنگری سیاست‌هاست. در مرحله وزن‌دهی به مؤلفه‌ها از روش میانگین استفاده می‌گردد و هر پرسش‌نامه دارای شاخص‌های سه‌گانه است که از نظر محتوایی تمامی مؤلفه‌های موجود را به‌صورت جداگانه شامل می‌شود.



شکل ۵. تناظر چندگانه مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های PDQI با مؤلفه‌های DQI



مؤلفه‌های سه‌گانه سازنده کیفیت مکان تاریخی و کیفیت‌های پانزده‌گانه طراحی شهری مورد استفاده در زمینه تاریخی به شکل ۵ در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. زیرمؤلفه‌های روش «شاخص کیفیت طراحی مکان» در مقیاس فضای تاریخی با برخورداری از تناظر معنایی و مفهومی با زیرمؤلفه‌های «شاخص کیفیت طراحی» طبق نمودار دوناتی شکل ۶ تدوین می‌شود.



شکل ۶. نمودار دوناتی زیرمعیارهای ارزیابی PDQI

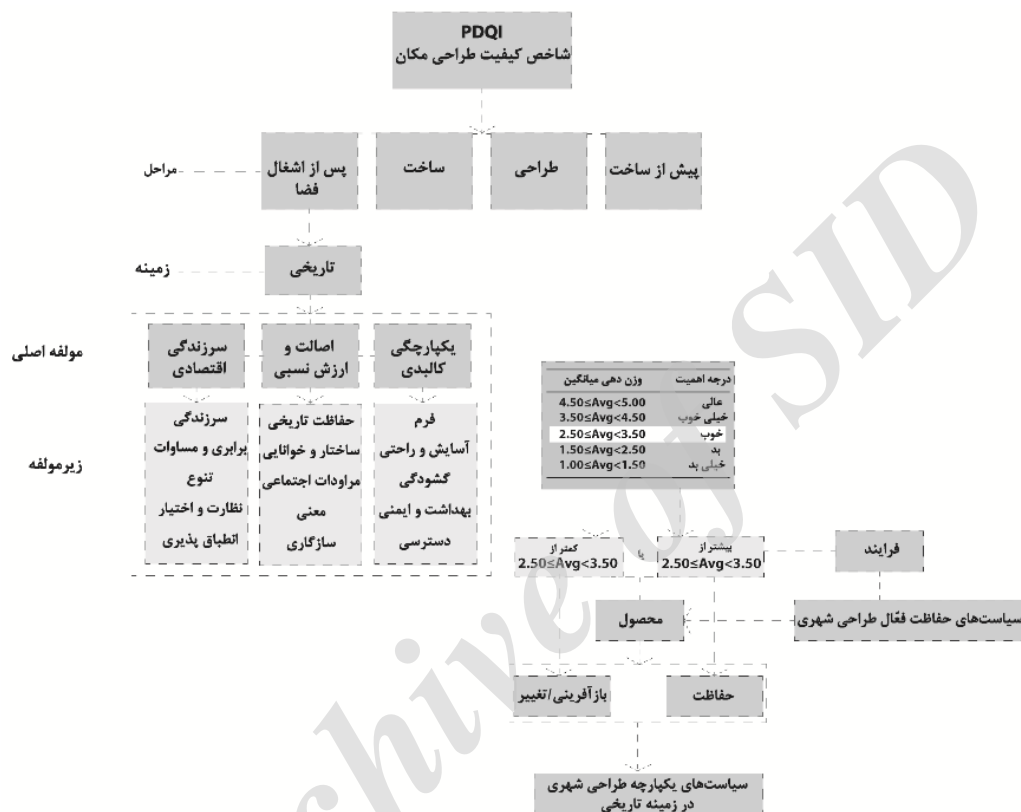
امتیازهایی که برای هر معیار در نظر گرفته می‌شود، به‌صورت میانگین خواهد بود و به‌منظور تدقیق نتیجه‌گیری از وزندهی و نمودارهای مقایسه‌ای استفاده خواهد شد و آنچه حاصل می‌آید به‌صورت گرافیکی در نمودار عنکبوتی نمایش داده می‌شود. شکل ۶ بیان‌کننده میزان ضعف و بالقوگی هر طرح پیشنهادی در مقایسه با وضع موجود خود است. در این پژوهش، گروه پاسخ‌دهنده، متخصصان طراحی شهری و کاربران فضا هستند که به ارزیابی «طرح احیاء و مرمت اجرا شده در گذر تاریخی از سال ۱۳۷۹ تا به امروز» در مرحله «پس از اجرا» پرداخته می‌شود. بعد از امتیازدهی، تحلیل اطلاعات بر مبنای «تحلیل دوگانه رویه و محتوای طراحی شهری» بدین صورت آغاز می‌شود که میانگین هر زیرمؤلفه بر اساس طیف «وزندهی میانگین معیارها» (جدول ۲) اگر از میزان «خوب» ( $3/5 < \text{میانگین} \leq 4/5$ ) کمتر باشد، آن بخش از مکان که به مؤلفه مربوط می‌شود، نیاز به «بازآفرینی» و اگر بیشتر از این میزان باشد نیاز به «حفاظت» خواهد داشت.

جدول ۲. وزندهی میانگین معیارها

وزن دهی میانگین	درجه اهمیت
$4.50 \leq \text{Avg} < 5.00$	عالی
$3.50 \leq \text{Avg} < 4.50$	خیلی خوب
$2.50 \leq \text{Avg} < 3.50$	خوب
$1.50 \leq \text{Avg} < 2.50$	بد
$1.00 \leq \text{Avg} < 1.50$	خیلی بد

منبع: Suratkon & Jusoh, 2015

در اینجا، مقصود از «بازآفرینی» انجام هر اقدام ضروری برای «مرمت و حفاظت» مکان تاریخی - فرهنگی و قابل استفاده نمودن آن برای انطباق با کارکردهای معاصر و حفاظت و کاربست حداقل تغییر ممکن به منظور حفظ ارزش تاریخی و فرهنگی «مکان» هست. حاصل بازخورد تحلیل مؤلفه‌های کیفی مکان تاریخی، سیاست‌های طراحی شهری در زمینه تاریخی در بستر دو جریان «رویه» (فرایند) و «محتوا» (محصول)، به ترتیب در قالب «سیاست‌های حفاظت فعال طراحی شهری» (لطفی، ۱۳۹۱، ۲۶۲) و «سیاست‌های یکپارچه طراحی شهری» (مرتبط با کیفیت‌های جامع حفاظت و بازآفرینی مکان تاریخی) خواهد بود.

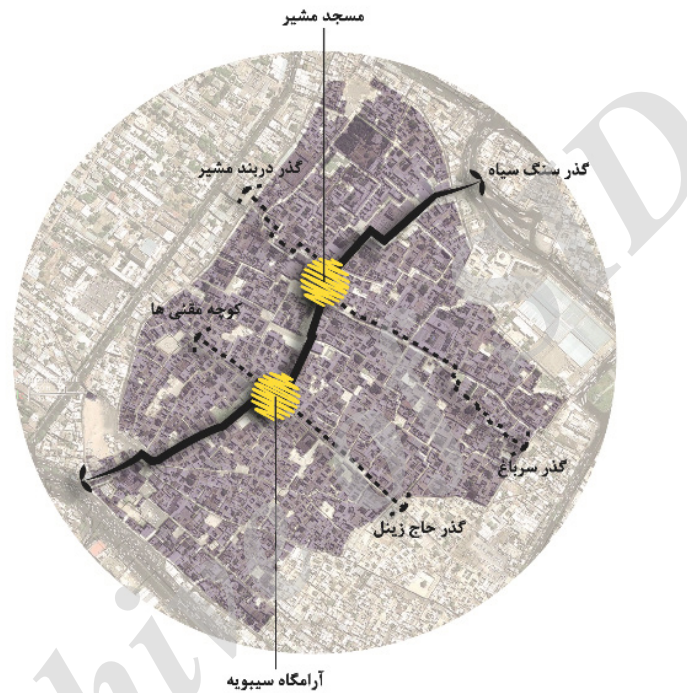


شکل ۷. رویه کلی ارزیابی PDQI در بستر تاریخی

## کاربست روش «شاخص کیفیت طراحی مکان» (PDQI) در دو مکان تاریخی؛ فضای مقابل مسجد مشیر و فضای مقابل آرامگاه سیوییه

پیش از آغاز مراحل ارزیابی به روش «شاخص کیفیت طراحی مکان»، به تعریفی اجمالی از بافت شهری دو فضای شهری منتخب پرداخته می‌شود. مسجد مشیر و آرامگاه سیوییه و فضای مقابل آنها در گذر سنگ سیاه در محله سنگ سیاه از بافت تاریخی شهر شیراز قرار دارند. نکته قابل تأمل آنکه این فضاهای تاریخی ارزشمند، علی‌رغم بی‌توجهی‌های چند سال اخیر و روند سریع فرسایش بافت تاریخی، هنوز هم از حال و هوای خوشایندی نزد ساکنان بافت و مردم شهر برخوردارند. از سال ۱۳۷۹ طرح‌های متعدد مرمت، نوسازی و بهسازی توسط سازمان عمران و بهسازی در گذر سنگ سیاه در خصوص توسعه اقتصاد محلی و بهسازی این گذر، به‌عنوان بخشی از طرح میراث فرهنگی و توسعه شهری انجام گرفته است. اما اغلب این طرح‌ها (که عموماً به بهسازی عرصه‌های عمومی مانند بناهای بارز، گذرها و بازارچه‌های سنتی پرداخته‌اند) پس از گذشت بیش از ۱۰ سال

تنها به نوسازی کالبدی توجه بیشتری داشته‌اند تا به بازآفرینی شهری و بر این اساس تأثیرات خرد و اندکی را در بهبود شرایط این گذر تاریخی ایجاد نموده‌اند. این مداخلات نامتعادل، بر زندگی مردم ساکن در بافت تاریخی شهر تأثیرات منفی داشته و آنجا را به سمت انزوا و حتی خالی شدن از سکنه سوق داده است. «فضای مقابل مسجد مشیر» و «فضای مقابل آرامگاه سیبویه» دارای وضعیت خاص تری هستند و می‌توانند در زمره فضاهایی با تشخیص مکانی قرار گیرند که واجد طیفی از معیارهای زمینه‌ای کنترل و نظارت، به‌عنوان سیاستی برای حمایت از هر فضا خواهند شد. عامل اصلی برتری این دو مکان، تلاقی گذر اصلی سنگ سیاه با استخوان‌بندی فرعی در محل آنهاست که موقعیت مکانی مناسبی را برای ترغیب بازطراحی مطلوب ایجاد کرده است.



شکل ۸. موقعیت مکان‌های منتخب برای ارزیابی PDQI در گذر سنگ سیاه

### ارزیابی مؤلفه‌های روش «شاخص کیفیت طراحی مکان» در دو مکان تاریخی؛ مکان اول: فضای مقابل مسجد مشیر، مکان دوم: فضای مقابل آرامگاه سیبویه

این بخش به دنبال تبیین اهمیت برداشت‌های محیطی، مشورت‌های تخصصی و تحلیل وضع موجود است که از عوامل بسیار مهم در شکل‌گیری و بسط سیاست‌های طراحی هستند؛ سیاست‌هایی که باید هم پاسخگوی ویژگی‌های محلی و بارزهای مکانی و هم بازتاب توقعات عموم مردم از موضوع طراحی باشند. در واقع چنین ارزیابی‌ای در محیط تاریخی، به تشخیص مکانی و بارزهای مندی‌های آن منجر می‌شود. تا به امروز بررسی‌های بسیار اندکی برای ارزیابی وضعیت طراحی شهری در محیط تاریخی - که به‌ویژه بتواند بستری برای شکل‌گیری و بسط سیاست‌های طراحی باشد - انجام گرفته است. در این مرحله نتایج ارزیابی در مورد مؤلفه و زیرمؤلفه‌های مکان تاریخی مورد بحث قرار می‌گیرد. در فرایند ارزیابی، از جمعی از متخصصان طراحی شهری با پیشینه آشنایی و تسلط بر فضاهای تاریخی گذر و نیز استفاده‌کنندگان از فضا برای پاسخگویی به پرسش‌ها بهره برده شد. درصد بالایی از پاسخگویان معتقدند که در هر دو مکان تاریخی فضای مقابل مسجد مشیر و فضای مقابل

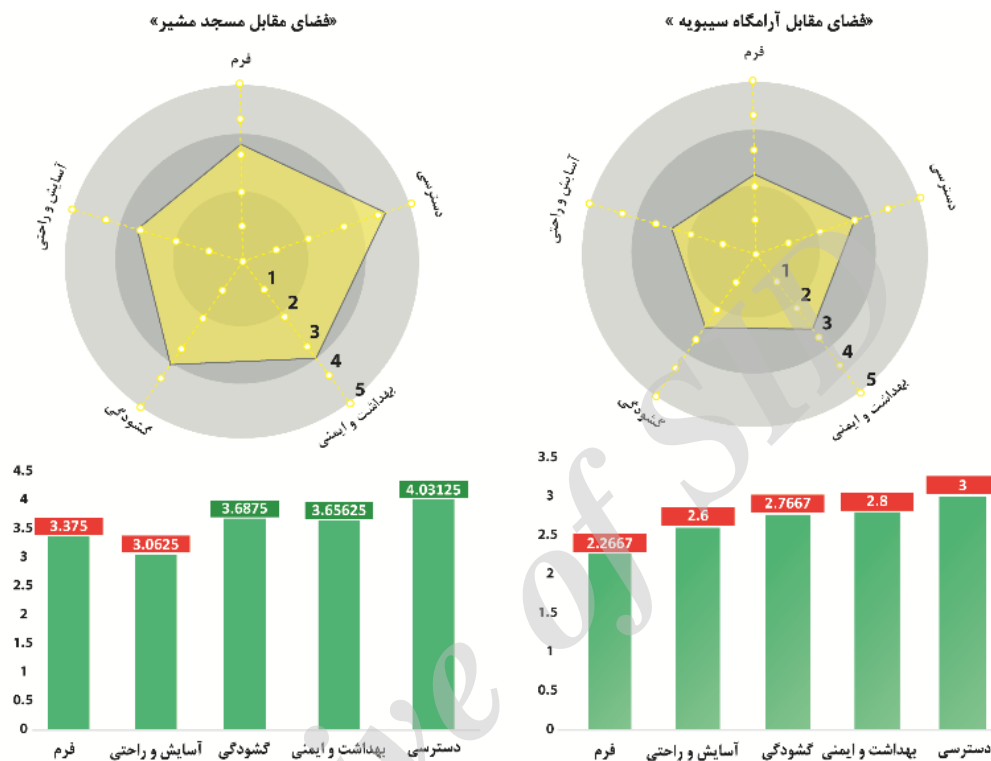
آرامگاه سبویه، بسترهای سه‌گانه تعامل مکان تاریخی؛ یعنی «یکپارچگی کالبدی» «سرزندگی اقتصادی» و «اصالت و ارزش نسبی» و زیرمؤلفه‌های پانزده‌گانه آن‌ها به‌طور میانگین در حد پایینی (بین ۲/۵ و ۳/۵) قرار دارند و طرح احیاء و مرمت گذر تاریخی سنگ سیاه موفقیت بسیار کمی در بهبود وضعیت این اماکن تاریخی داشته است. در ادامه مؤلفه‌های مذکور به‌صورت تطبیقی در هر دو مکان تحلیل خواهند شد و میانگین هر زیرمؤلفه تعیین‌کننده نیاز به «بازآفرینی» و یا «حفاظت» در مکان تاریخی را مشخص می‌نماید.

## مؤلفه «یکپارچگی کالبدی» در دو مکان

هدف از طرح مؤلفه «یکپارچگی کالبدی» ارزیابی اثرات کالبدی طرح احیاء و مرمت گذر تاریخی سنگ سیاه<sup>۱۹</sup> در دو مکان تاریخی است. در این مورد، تمرکز بر مداخلات کالبدی طرح در قالب اقدامات مرمت و حفاظت شهری است. با توجه به نتایج به‌دست آمده، وضعیت کالبدی «مکان اول» بهتر از «مکان دوم» است. امتیازهای مرتبط با زیرمؤلفه‌های کالبدی مکان اول در زیرمؤلفه‌های «گشودگی»، «بهداشت و ایمنی» و «دسترسی» در مقایسه با مکان دوم از وضعیت نسبتاً بهتری برخوردار هستند. دلیل این امر پاک‌سازی بناهای مجاور هر دو مکان است که در عین بی‌تناسبی و ناکارایی، توانسته است تأثیر کم و نسبی در بهبود این سه کیفیت داشته باشد و چندین زیرفضای باز بی‌شکل در میان بافت فشرده تاریخی آن قسمت از گذر ایجاد کند و به‌واسطه تعریض گذر، عملکرد حرکتی سواره و پیاده در دو مکان نسبت به مکان دوم به سهولت انجام گیرد. در هر دو مکان تاریخی برنامه‌ریزی و توسعه صرفاً متوجه تزئینات و زیبایی معمارانه دو میراث این دو مکان بوده است و فاقد توجه کافی به زمینه محلی و اصول طراحی شهری سنتی ایرانی و پاسخگویی به زیرساخت‌ها و آسایش اقلیمی در فضاهای رهاشده مجاور آنها است. دو مکان مذکور به دلیل تخریب‌های صورت گرفته دچار گسستگی استخوانبندی شده‌اند و لازم است به واسطه بازطراحی فضاهای متصل به هر دو و کاربست سیاست‌ها و راهبردهای کالبدی زمینه‌گرا، هم‌پوندی فضایی با گذر اصلی ایجاد شود. مکان دوم در تمامی زیرمؤلفه‌های کالبدی به بازنگری و بازآفرینی ابعاد کالبدی مکان نیاز دارد. جدول ۲ بیانگر علل ضعف و قوت هر زیرمؤلفه کالبدی در هر دو مکان تاریخی است.

جدول ۳. عوامل ضعف و قوت هر زیرمؤلفه «یکپارچگی کالبدی» در دو مکان تاریخی

<p><b>3.375</b> <b>فرم</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- گسستگی استخوان بندی بر اثر پاکسازی بناهای مجاور مسجد مشیر و عدم تقویت جلouxان آن به عنوان مفصل فضایی میان بافت و گذر اصلی</li> <li>- عدم ایجاد محصوریت در طراحی جلouxان و هم چنین ایجاد گشودگی بی تناسب (فرم خطی) بر اثر پاکسازی بناهای مجاور مسجد</li> </ul>	<p><b>3.0625</b> <b>آسایش و راحتی</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- تبدیل شدن فضای مشترک جلوی مسجد با گذر تاریخی به پارکینگ</li> <li>- افزایش ناهنجاری و نامتنی به دلیل عدم وجود روشنایی مناسب در معابر و فضاهای متصل به مسجد</li> <li>- کمبود پوشش گیاهی در ایجاد سایه اندازی و تلطیف هوا (به دلیل هوای گرم و زاویه تابش آفتاب در شهر شیراز)</li> </ul>	<p><b>3.6875</b> <b>گشودگی</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- باز بودن فضاهای متصل به مسجد مشیر و امکان چسبندگی در آن‌ها</li> <li>- افزایش آزادی در تنوع حرکتی</li> <li>- امکان استفاده های مختلف از فضاهای مانواری (به دلیل رفع تنگی فضاهای درهم تنیده بافت)</li> </ul>
<p><b>2.2667</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- گسستگی استخوان بندی بر اثر پاکسازی بناهای مقابل آرامگاه سبویه و عدم تقویت آن‌ها به عنوان مفصل فضایی میان بافت و گذر اصلی (کاشت چندین درخت به عنوان پارک)</li> <li>- عدم تناسبات بصری و زیبایی شناسانه طراحی شده در فضای جلوی آرامگاه سبویه</li> <li>- کلب بودن چهره آرامگاه و عدم هماهنگی با ابنیه مجاورشان یا ایجاد بی نظمی بصری توسط تبلیغات و نوشته های دیواری</li> </ul>	<p><b>2.6</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- افزایش ناهنجاری و نامتنی به دلیل عدم وجود روشنایی متناسب در معابر و فضاهای متصل به آرامگاه سبویه</li> <li>- کمبود میلمان شهری مناسب جهت استراحت و مکت عابرین پیاده</li> </ul>	<p><b>2.7667</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم استفاده کارا از گشودگی های ایجاد شده به دلیل کاشت درختان بدون هدف (هدف ایجاد فضای سبز پارک)</li> <li>- خطی بوده اما چنین فضای سبزی، عملکرد پارک را به درستی ایفا نمی کند و برعکس به متروکه شدن فضا کمک می نماید.</li> </ul>
<p><b>4.03125</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- وجود ارتباط بین فضاهای باز و گذر اصلی</li> <li>- نمر بین گذر اصلی در این قسمت و بهبود عملکرد ترافیکی در عبور جریان های حرکتی سواره و پیاده</li> </ul>	<p><b>3.65625</b> <b>بهداشت و ایمنی</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- رسیدگی در جمع آوری زباله های خطرناک به واسطه فضا سازی جلوی مسجد و ماهیت جلوه دادن فضای جلوی مسجد مشیر</li> <li>- وجود تعین فضایی در گذر اصلی متصل به جلouxان مسجد با کاشت درخت و فرار دادن میلمان به منظور عدم ورود خودرو به صحن جلouxان</li> </ul>	<p><b>2.8</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم رسیدگی در جمع آوری زباله های خطرناک به واسطه عدم وجود تعین فضایی در گذر اصلی متصل به جلوی آرامگاه سبویه و تداخل حرکتی میان اتومبیل ها و عابرین پیاده پلاخیز در پردگی جلوی طاق نصرت فضای سبز (زیروی آرامگاه)</li> </ul>
<p><b>3</b></p>	<p><b>2.8</b></p>	<p><b>2.8</b></p>



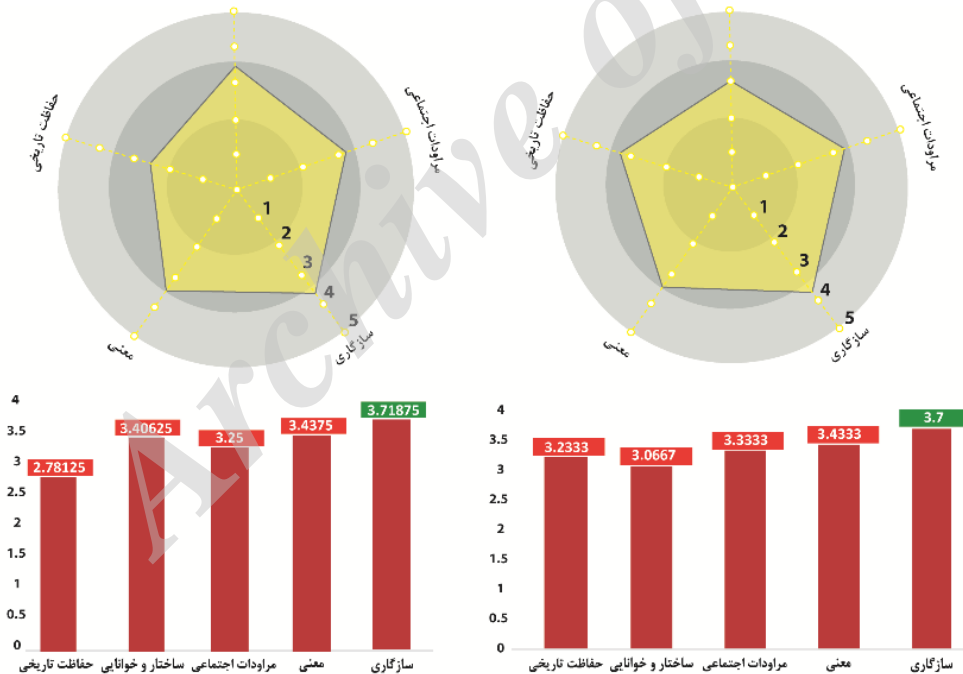
شکل ۹. مقایسه مؤلفه «یکپارچگی کالبدی» در دو مکان تاریخی

### مؤلفه «اصالت و ارزش نسبی» در دو مکان

تحلیل مؤلفه «اصالت و ارزش نسبی»، ارزیابی اثرات ادراکی طرح احیاء و مرمت گذر تاریخی سنگ سیاه در دو مکان تاریخی منتخب است. نتایج ارزیابی، بیانگر تأثیر منفی طرح بر بارزه تاریخی، فرهنگی و معماری دو عنصر شاخص تاریخی مسجد مشیر و آرامگاه سیبویه است و تنها در زیرمؤلفه «سازگاری» به واسطه مرمت ادواری در مکان اول و برگزاری هفته‌گی برنامه‌های فرهنگی و هنری در مکان دوم وضعیت بهتری نسبت به زیرمؤلفه‌های دیگر در هر دو مکان حاکم است. به نوعی می‌توان گفت طرح احیای این دو مکان نتوانسته است بین تمایل به گذشته و تطبیقش با تغییرات حال تعادل برقرار سازد. دو مکان به واسطه سیاست‌ها و اقدامات حفاظتی و فرهنگی نیاز به بازآفرینی فرهنگی خواهند داشت. جدول ۴ بیانگر علل ضعف و قوت هر زیرمؤلفه معنایی در هر دو مکان تاریخی است.

جدول ۴. عوامل ضعف و قوت هر زیرمؤلفه «اصالت و ارزش نسبی» در دو مکان تاریخی

مراودات اجتماعی	ساختار و خوانایی	حفاظت تاریخی
<p>3.25</p> <p>باز بودن فضاهای متصل به مسجد مشیر و امکان جستجو در آن ها - افزایش آزادی در تنوع حرکتی - امکان استفاده های مختلف از فضاها (ماتواری) به دلیل رفع تنگی فضاهای درهم نبوده بافت</p> <p>3.3333</p>	<p>3.40625</p> <p>- تبدیل شدن فضای مشترک جلوی مسجد با گذر تاریخی به پارکینگ - افزایش ناهنجاری و ناامنی به دلیل عدم وجود روشنایی مناسب در معابر و فضاهای متصل به مسجد - کمبود پوشش گیاهی در ایجاد سایه آفتابی و تلطیف هوا به دلیل هوای گرم و زاویه تابش آفتاب در شهر شیراز/ هوا به دلیل هوای گرم و زاویه تابش آفتاب در شهر شیراز/</p> <p>3.0667</p>	<p>2.78125</p> <p>- گسستگی استخوان بندی بر اثر پاکسازی بناهای مجاور مسجد مشیر و عدم تقویت آن به عنوان مفصل فضایی میان بافت و گذر اصلی - کاشت چندین درخت به عنوان پارک (ک) - عدم تناسب بصری و زیبایی شناسانه طراحی شده در فضای جلوی آرامگاه سیبویه - تلب بودن چداره آرامگاه و عدم هماهنگی با ابنیه مجاورشان یا ایجاد بی نظمی بصری توسط تیلیات و نوشته های دیواری</p> <p>3.2333</p>
<p>3.71875</p> <p>- وجود ارتباط بین فضاهای باز و گذر اصلی - تعریف گذر اصلی در این قسمت و بهبود عملکرد ترافیکی در عبور جریان های حرکتی سواره و پیاده</p> <p>3.7</p>	<p>3.4375</p> <p>- رسیدگی در جمع آوری زباله های خطرناک به دلیل در کج فرار گرفتن یکی از فضاهای مجاور آرامگاه سیبویه - عدم وجود تعین فضایی در گذر اصلی متصل به جلوی آرامگاه سیبویه و تعادل حرکتی میان اتومبیل ها و عابرین پیاده بالاخص در بریدگی جلوی طاق نرسرت فضای سبز (زویروی آرامگاه)</p> <p>3.4333</p>	<p>معنی</p> <p>3.4375</p> <p>«فضای مقابل مسجد مشیر»</p> <p>«فضای مقابل آرامگاه سیبویه»</p>



شکل ۱۰. مقایسه مؤلفه «اصالت و ارزش نسبی» در دو مکان تاریخی

مؤلفه «سرزندگی اقتصادی» در دو مکان

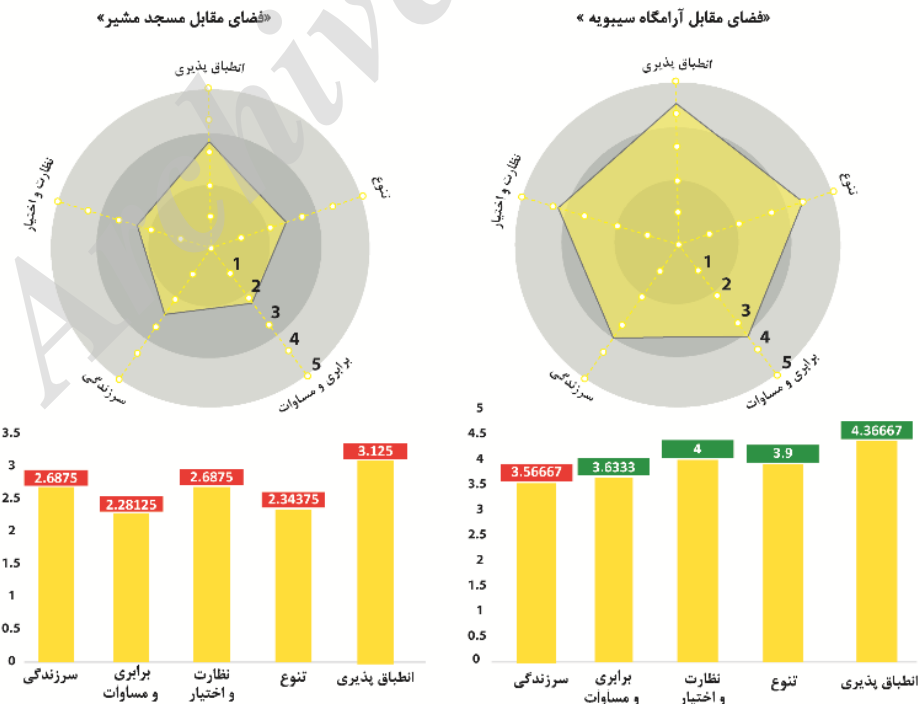
در ارزیابی طرح احیاء و مرمت گذر تاریخی سنگ سیاه در دو مکان تاریخی مورد نظر، نتایج نشان دهنده قوت اقتصادی نسبی مکان دوم نسبت به مکان اول است. دلیل این امر می تواند برپایی برنامه های متنوع



فرهنگی و هنری در مکان دوم باشد که به نوعی توانسته تنوع فعالیتی و کارکردی را در فضا ایجاد کند. مکان اول به واسطه سیاست‌ها و اقدامات اقتصادی نیاز به بازآفرینی اقتصادی دارد. جدول ۵ بیانگر علل ضعف و قوت هر زیرمؤلفه اقتصادی در هر دو مکان تاریخی است.

جدول ۵. عوامل ضعف و قوت هر زیرمؤلفه «سرزندگی اقتصادی» در دو مکان تاریخی

سرزندگی	برابری و مساوات	تنوع
<p><b>2.6875</b></p> <p>«فضای مقابل مسجد مشیر»</p> <p>عدم وجود کاربری های جذاب در محدوده جلوخان مسجد و بازارچه مشیر و باقیمانده بازار ارسته عدم تجمع پذیر و تنوع پذیری استفاده کنندگان این فضا به دلیل وجود رفتارهای ناهنجار اجتماعی و ایجاد لایسی عدم وجود فعالیت های غیررسمی (دستفروشی ها)</p>	<p><b>2.28125</b></p> <p>«فضای مقابل آرامگاه سبویه»</p> <p>عدم وجود کاربری های جذاب در محدوده جلوی آرامگاه سبویه عدم تجمع پذیر و تنوع پذیری استفاده کنندگان این فضا به دلیل وجود رفتارهای ناهنجار اجتماعی و ایجاد لایسی عدم وجود فعالیت های غیررسمی (دستفروشی ها) به صورت مداوم جهت جذب جمعیت به این مکان تاریخی</p>	<p><b>2.6875</b></p> <p>عدم وجود تنوع نسبی در کاربری های موجود در جداره جنوبی فضای جلویی آرامگاه سبویه طیف متنوع استفاده کنندگان از این مکان تاریخی به واسطه برقراری برنامه های هنستی فرهنگی- هنری</p>
3.56667	3.6333	4
نظارت و اختیار	انطباق پذیری	
<p><b>2.34375</b></p> <p>«فضای مقابل مسجد مشیر»</p> <p>عدم توجه به نظر ساکنین و مشارکت پذیری آن ها در تدوین و اجرای هر طرحی در قسمت بازارچه مشیر و جلوخان مسجد</p>	<p><b>3.125</b></p> <p>دارا نبودن بالئوکی کالبدی بناهای این قسمت از بافت تاریخی جهت پذیرش کاربری های گوناگون (تعداد نسبتا - موفقیت کم طرح در معامرسازی محتوایی و کالبدی برخی بناهای تاریخی این مجموعه تاریخی</p>	
3.9	4.36667	
<p><b>2.6875</b></p> <p>«فضای مقابل آرامگاه سبویه»</p> <p>مشارکت پذیری ساکنین در تدوین و برگزاری هرگونه برنامه فرهنگی در آرامگاه سبویه</p>	<p><b>3.125</b></p> <p>دارا بودن بالئوکی کالبدی بناهای این قسمت از بافت تاریخی جهت پذیرش کاربری های گوناگون (تعداد نسبتا - خوبه اینه های با ارزش تاریخی- فرهنگی) موفقیت نسبی طرح در معامرسازی محتوایی و کالبدی برخی بناهای تاریخی این مجموعه تاریخی</p>	
3.9	4.36667	

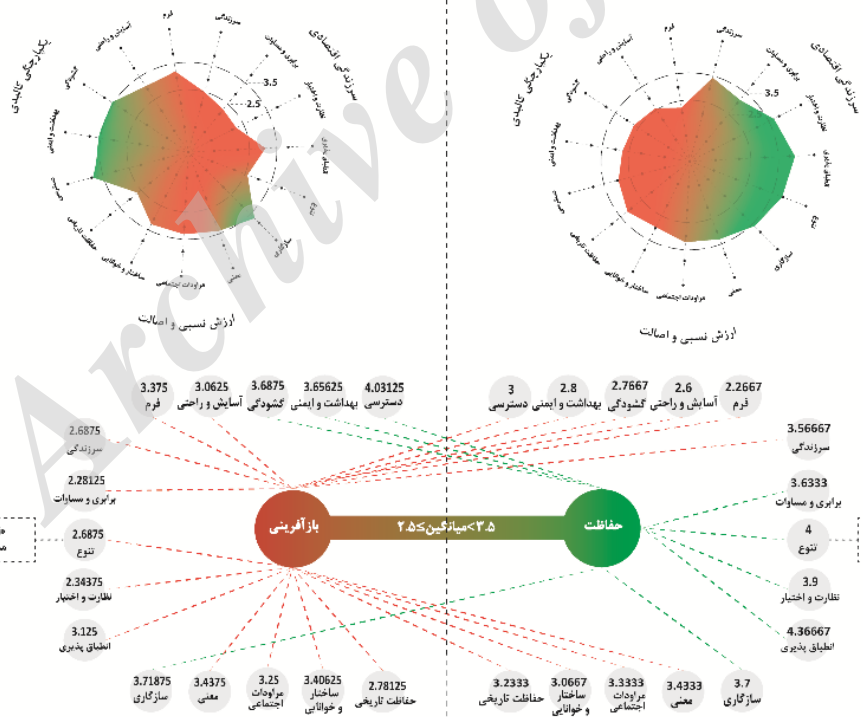
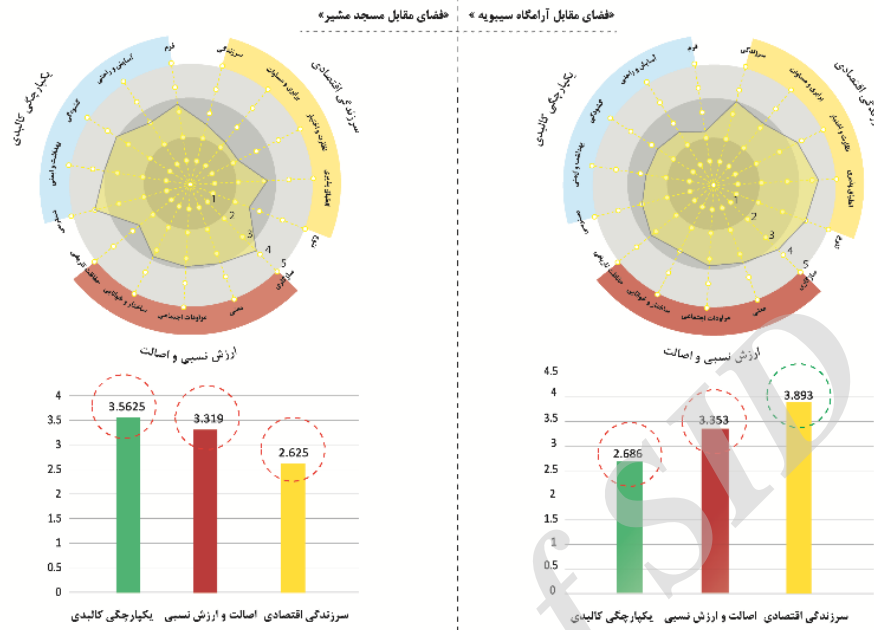


## نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از ارزیابی مؤلفه‌های روش «شاخص کیفیت طراحی مکان»، نشانگر آن است که فضای مقابل آرامگاه سیبویه نسبت به فضای مقابل مسجد مشیر از بالقوگی بیشتری در تبدیل شدن به فضایی با تشخیص مکانی و بارزمنندی‌های بنیانی متمایز برخوردار است. نقطه قوت این مکان، مؤلفه «سرزندگی اقتصادی» است که به دلیل برپایی برنامه‌های فرهنگی - هنری به صورت هفتگی در فضای مقابل آرامگاه سیبویه توسط دفتر تسهیلگری بافت تاریخی به نوعی جان دوباره به این فضای شاخص تاریخی بخشیده است. تحلیل محتوای وضع موجود فضای مسجد مشیر و آرامگاه سیبویه بر مبنای روش «شاخص کیفیت طراحی مکان»، نشان از عدم موفقیت نسبی این فضاهای تاریخی در تبدیل شدن به قلمروی همگانی و مکان شهری دارد. از دلایل این امر می‌توان به عدم موفقیت در توجه به طراحی به‌عنوان پدیده‌ای که قادر است بسیار فراتر از سطح بدنه‌سازی محور تاریخی عمل نماید و همچنین عدم توفیق در معرفی طراحی به‌عنوان ابزاری که قادر است در مقیاس یک مکان عمل نماید، اشاره کرد.

درواقع می‌توان گفت ارزیابی‌ها نشان از ایجاد یک موضع منفعل دارد که در آن برنامه‌ریزی در مقیاس مرمت معماری، همگام با کاهش نقش مشارکت همگانی در فرایند - به‌ظاهر - طراحی شهری قرار گرفته و آفرینش مکان خوب جای خود را به رهاسازی فضایی در میان انبوهی از بناهای فرسوده و متروک بخشیده است. مؤلفه‌های «اصالت و ارزش نسبی» و «یکپارچگی کالبدی» که تعیین‌کننده مؤلفه «حفاظت یکپارچه» مکان هستند، در هر دو مکان نیازمند ارتقای کیفی هستند و مؤلفه «سرزندگی اقتصادی» به‌عنوان مؤلفه اساسی «بازآفرینی یکپارچه» مکان تاریخی، تنها در مکان دوم از وضعیت نسبی بهتری برخوردار بود و در مکان دوم نیاز به «بازآفرینی اقتصادی» به‌شدت احساس می‌گردد. بدین ترتیب بر اساس ابزار روش «شاخص کیفیت طراحی مکان»، می‌توان علاوه بر استدلال توصیفی مبنی بر اینکه مکان‌های تاریخی در معرض فرسودگی به مرمت و حفاظت نیاز دارند از تحلیل کمی بهره گرفت که با بررسی تمامی مؤلفه‌های سازنده مکان تاریخی به‌وضوح مشخص خواهد کرد که کدام مؤلفه کیفی و تا چه اندازه در وضعیت نامناسب قرار دارد و متناسب با شدت کاهش کیفیت، یکی از دو جریان «حفاظت» و «بازآفرینی» به کار گرفته خواهد شد.

بر این اساس می‌توان الگویی جامع جهت تعیین «محصول» و «فرایند» طراحی شهری در زمینه تاریخی تدوین کرد و می‌توان گفت مدیریت مناسب رابطه میان مؤلفه‌های کیفی مکان تاریخی، قرار گرفتن آنها در طیف «حفاظت» و «بازآفرینی» (به‌عنوان محصول) و کاربست رویکردهای زمینه‌گرای طراحی شهری متناسب با هر کدام از آنها (به‌عنوان فرایند)، به راهبردی اساسی در جریان «آفرینش مکان» تاریخی منجر خواهد شد. «حفاظت» و «بازآفرینی» به‌منظور معاصرسازی مکان‌های تاریخی لازم و مکمل یکدیگر هستند، اما باید در جریان طراحی آفرینش مکان تاریخی به‌طور دقیق مشخص گردد که هر مؤلفه کیفی در کدام طیف واقع می‌شود و برای آفرینش مکان بارزمنند تاریخی به کدام روش‌های طراحی شهری زمینه‌گرا نیاز است. به این ترتیب چارچوبی نظام‌مند برای طراحی شهری در زمینه یا بسترهای تاریخی فراهم می‌گردد.



شکل ۱۱. مقایسه مؤلفه «سرزندگی اقتصادی» در دو مکان تاریخی

## پی‌نوشت‌ها

۱. لینچ از عبارت Environmental Preservation استفاده می‌کند و این مفهوم را به میل مراقبت از بقایای «تاریخی» و الگوی نسبتاً یکسانی که در فرآیند تکوین، بالندگی و افول بافت‌های تاریخی و واجد ارزش وجود داشته است، نسبت می‌دهد. همچنین در تأویلی که در مقاله حاضر به دست داده می‌شود، به دلیل تأکید لینچ بر بازه زمانی پس از سال هزاروپانصد میلادی در اروپای بعد از قرون وسطی و نیز رویدادهای پس از جنگ‌های داخلی آمریکا، جریان «حفاظت» به زعم لینچ، به دوران مدرن در مفهوم تاریخی آن نسبت داده می‌شود.
  2. Archetypal
  ۳. تأکید بر باوری که «روح مکان» Genius Loci نزد رومیان باستان وجود داشته است و در ایران نیز «جای» و «جایگاه» مراتب قوام‌یافته‌ای از مفهوم مکان را متبادر می‌ساخته‌اند.
  4. Urban Design Compendium
  5. Place or Local Distinctiveness
  6. Sense of Place
  ۷. به این ترتیب، فرآیند آفرینش مکان، حتی به صورت بخشی از تدابیر مرتبط با حکمروایی خوب شهری نیز مطرح گردیده و متضمن موفقیت مدیریت شهرها در آینده شمرده شده است (Lyons, 2007).
  ۸. در اینجا لازم به یادآوری است که برای بازنمود مفهوم محیط تاریخی، از عبارت Historic Environment استفاده می‌شود، ولی در طیف بازنمایی معنایی و به‌عنوان مدلول جغرافیایی-مکانی این ترکیب، یعنی واژه «محیط»، از واژگان جایگزینی مانند Fabric و Area نیز استفاده می‌شود. در برداشتی کلی، می‌توان گفت استفاده از واژه Environment اشاره به بُعد فراگیر توجه به زمینه تاریخی دارد و استفاده از واژگان Area و Fabric به ترتیب یکی بر بازهمندی‌های مکانی-کالبدی و دیگری بر ویژگی‌های مرتبط با برآوردهای ابزاری از شرایط زمینه تاریخی تأکید دارند. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به:
- Drury, P. and McPherson, A. (2008). Conservation Principles: Policies and Guidance, London: English Heritage.
9. DQI (Design Quality Indicator)
  10. Place Design Quality Indicator (PDQI)
  ۱۱. با شکل گرفتن و رایج شدن مدل مکان به‌عنوان مفهومی پذیرفته شده برای بازنمود کیفیت قلمروی همگانی، از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی روش‌هایی برای پیمایش و بازخوانی محیط کالبدی شکل گرفت که اساس آن بر استفاده از فهرست‌های تطبیقی تنظیم شده جهت سنجش کیفیت «مکان‌بودگی» استوار بود. آن‌طور که رابرت کوآن از پایه‌گذاران روش پیمایش [و سنجش] مکان درباره این روش توضیح داده است، هدف از انجام فرآیند بازخوانی بازهمندی‌های مکان‌بودگی، یافتن ارتباطات انسانی و هم‌پیوندی‌های شبکه جابجایی در محیط انسان‌ساخت است (Cowan, ۲۰۰۵, ۲۹۲).
  12. Build Quality «کیفیت ساخت»
  13. Functionality «عملکرد»
  14. Impact «اثر»
  15. Construction Industry Council (CIC)
  16. Commission for Architecture and the Built Environment (CABE)
  17. Feedback
  18. Economic vitality
  ۱۹. طرح احیاء و مرمت گذر تاریخی سنگ سیاه از سال ۱۳۷۹ آغاز شد.

## فهرست منابع

- حناچی، پیروز و فدایی‌نژاد، سمیه (۱۳۹۰). «تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت‌های فرهنگی - تاریخی» نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۴۶، ۱۵-۲۶.
- لطفی، سهند (۱۳۹۱). تبارشناسی بازآفرینی شهری، از بازسازی تا نوزایی، انتشارات آذرخش، تهران.
- Cannon, J. (2011). *Valuing Places: Good Practice in Conservation Areas*, London: English Heritage.
- Canter, D. (1977). *The psychology of place*, London: Architectural Press.
- Communities and Local Government (2011). *Planning Policy Statement 3 (PPS3): Housing*, TSO (The Stationery Office).
- Cowan, R. (2005). *The Dictionary of Urbanism*, London: Streetwise Press.
- Drury, P., & McPherson, A. (2008). *Conservation Principles: Policies and Guidance*, English Heritage.
- English Heritage (2000). *Power of Place: The Future of the Historic Environment*, London: English Heritage.
- English Heritage (2010). *Understanding Place, Historic Area Assessments: Principles and Practice*, London: English Heritage.
- HCA (Homes and Communities Agency) (2000). *Urban Design Compendium*, English Partnerships.
- Kent, F. (Project for Public Spaces) (2008). *Streets as Places: Using Streets to Rebuild Communities*, www.pps.org.
- Lynch, K. (1972). "The Presence of the Past", *What Time is This Place?* Cambridge: MIT Press, 29-64.
- Lyons, M., S. (2007). Lyons Inquiry into Local Government, *Place-shaping: a Shared Ambition for the Future of Local Government*. Final Report, London: HMSO Management, London: English Heritage.
- Montgomery, J. (1998). "Making a City: Urbanity, Vitality and Urban Design", *Journal of Urban Design*, 3(1), 93-116.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*, Volume 1 of Research in planning and design, Pion.
- Suratkon, A., & Jusoh, S. (2015). "Indicators to measure design quality of buildings." First International Conference on Science, Engineering & Environment, At TSU, Mie, Japan, Volume: 1
- Whyte, J., & Gann, D. (2003). "Design Quality Indicators: work in progress", *Building Research & Information*, 31(5), 387-398.
- www.dqi.org.uk (2003), (2016).